فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۷۲-۳۵۷
New Period 4, No 32, 2021, P 357-372
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

عملیات روانی ایالات متحده آمریکا در جریان اشغال عراق در سال ۲۰۰۳

مریم امین یزدی[۱]. سعید گازرانی[۲]
۱. دانشجوی دکتری مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران

چکیده
در طول تاریخ استفاده از عملیات روانی برای پیروزی در جنگها و نزاعهای میان اقوام و ادیان کشورهای مختلف رویه ای جاری بوده است. از تاکتیکهای جنگ روانی به کرات توسط طرفهای متخاصم در طول تاریخ به عنوان ابتکارات شخصی برای تسلط بر طرف مقابل استفاده شده است.
حمله و اشغال نظامی کشور عراق پس از تهاجم گسترده ایالات متحده آمریکا به افغانستان به بهانه مقابله با تروریسم و سلاح های کشتار جمعی، نیز از این موارد مستثنی نیست. مهمترین تاکتیکی که در این مقاله در مورد حمله و اشغال نظامی کشور عراق توسط ایالات متحده آمریکا و هم پیمانانش به آن پرداخته خواهد شد، مقابله با مردم کشور مورد هجوم از طریق عملیات روانی به وسیله نیروهای نظامی است، از جمله پخش اطلاعیه های متعدد با مضامینی مرتبط با عملیات روانی و کوچک نشان دادن توان حریف و بزرگ نشان دادن توانایی مهاجمین برای از بین بردن توانایی ذهنی مقابله با مهاجمین.
واژه‌های کلیدی: عملیات روانی، تهاجم نظامی، عراق، استراتژی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

مقدمه:

جنگ روانی از دیرباز در عرصه ی اندیشه و عمل انسان وجود داشته است. «لاین برگر» پیشینه جنگ روانی را در ۱۲۵۴ سال قبل از میلاد در جریان جدال‌های «کیدون» در برابر «مدیانیت‌ها» ذکر می‌کند. نمونه‌های تاریخی فراوانی در استفاده از این نوع جنگ وجود دارد. استفاده یونانیون از «اسب تراوا» در تصرف تراوا را می‌توان از این جمله برشمرد. با پیشرفت تکنولوژی، به ویژه در قلمرو ارتباطات، و پیدایش تحقیقات کاربردی در رشته‌های علمی جدید مانند روان شناسی، جامعه شناسی و مردم شناسی از یک طرف، و با پیدایش قدرت‌های بزرگ بین المللی و استعمار نو از طرف دیگر، به ویژه همزمان با بحران های بزرگ بین المللی نظیر جنگ های اول و دوم جهانی، به صورت یک رشته علمی و به طور سیستماتیک مورد استفاده قرار گرفته است. در گذشته عمر و عاص‌ها از روش‌های جنگ روانی علیه خصم خود استفاده کرده اند. ولی جنگ روانی در دوران جدید، تکامل شگفت انگیزی پیدا کرده به گونه ای که امروز، از روش‌های جنگ روانی برای براندازی نظام سیاسی که مطلوب قدرتهای جهانی نیستند، استفاده شایان توجهی می‌شود و بدینوسیله، مردم برخی از کشورها تشویق می‌شوند که علیه منافع ملی خود اقدام کنند. در گذشته ی دور، استفاده از روش‌های ارتباطی تخریبی متکی به استعداد و ابتکار فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی بود، ولی امروزه، پژوهش گسترده ی علمی در زمینه‌های روانشناسی اجتماعی، مردم شناسی و جامعه شناسی، به قدرت‌های بزرگ بین المللی، این امکان را داده است که با استفاده از تکنولوژی ارتباطی، تغییرات موردنظر خود را در افکار عمومی جهانیان به وجود آورند و انگاره‌های ذهنی مشخصی را در جهان ترویج نمایند، که با منافع جهانی آنان سازگاری داشته باشد. در این مقاله به مباحث نظری که در ارتباط با اهداف، شیوه‌ها و کارکرد این نوع نبرد ارائه، توجه می شود.

روش گرداوری:

روش جمع آوری داده‌ها روش اسنادی می‌باشد که در این راستا از منابع (کتب اسناد و مقالات) داخلی و خارجی و اینترنتی بهره گرفته شده است.

تعریف عملیات روانی

نخستین گام در راه ایجاد علم مدون ارائه یک تعریف جامع و مانع است. اما در گذر از تاریخ به دقت نمی‌توان تعریفی برای عملیات روانی در نظر گرفت که تمام مراحل آن را پوشش دهد. در ذیل دو تعریف به نسبت جامع ارائه می‌شود.

نخست: «عملیات روانی نوعی آگاهی کاذب است که با القای آن به گروهی از مخاطبان سعی می‌شود، رفتاری مغایر با منافع اصیل و واقعی ایشان، به آنها تلقین شود و باعث انجام عملی دگرگون با خواست واقعی آنها گردد.» (بیابان نورد، ۱۳۸۳: ۴۴). تعریف دوم ناظر بر دورهٔ مدرن است: «عملیات روانی،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

عملیات طراحی شده‌ای برای انتقال اطلاعات و شاخص‌های انتخاب شده به مخاطبان خارجی به منظور تأثیرگذاری بر احساسات(هیجانات)، انگیزه‌ها، استدلال بی‌طرفانه و سرانجام، رفتار حکومت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و افراد خارجی است.» (لمپ، ۲۰۰۵: ۲۵).

جنگ روانی "تلاشی است آگاهانه و نظام‌دار برای تخریب یا تضعیف روحیه ی حریف". عده‌ای آن را منحصر به تبلیغات منفی بر ضد دشمن در زمان جنگ می‌دانند و عده‌ای آن را به زمان صلح نیز می کشانند و آن را با عناوینی چون جنگ سرد و جنگ سیاسی معرفی می کنند. افزون بر آن، در هر برهه‌ای، این واژه مترادف اصطلاحاتی نظیر تعلیم و تربیت یا جهت دهی سیاسی، ترغیب سیاسی، تهاجم غیر مستقیم، منازعه طولانی یا استراتژی براندازی به کار رفته است .از آنجا که در مورد حوزه ی فعالیت‌های مربوط به جنگ روانی و حد و مرز آن، اتفاق نظر وجود ندارد، در ارائه تعریف روشن و مشخصی برای این نوع جنگ نیز اختلاف نظر دیده می‌شود. این اختلاف نظر حتی در سازمان‌های مختلف، در یک دولت واحد نیز وجود داشته و هر سازمان، این مفهوم را به شکل دیگری تعبیر و تفسیر می کند .از سوی دیگر، باید توجه داشت که جنگ سیاسی یا جنگ سرد، بین دولت‌ها واقع می‌شود در حالی که جنگ روانی بر ضد ملت‌ها صورت می‌پذیرد و می‌توان آن را در زمان جنگ، مکمل جنگ نظامی دانست و در زمان صلح، جنگ استراتژیک یا تهاجم فرهنگی نامید. جنگ روانی اصولا سلاحی است که به انسان و عقل او توجه دارد و هر گاه امکان برقراری ارتباط عاطفی با مخاطب را داشته باشد، می‌تواند به اعماق او نفوذ کند(شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۴).

(فولر)، مورخ و تحلیلگر نظامی بریتانیایی، اولین کسی است که اصطلاح جنگ روانی را در سال ۱۹۲۰ به کار برد. وی در بحث پیرامون نتایجی که می‌توان از پیشرفت‌های تکنولوژی نظامی در جنگ جهانی اول گرفت، ادعا می کند که وسایل سنتی جنگ ممکن است جای خود را به جنگ روانی به معنی واقعی کلمه بدهد که در آن از سلاح استفاده نمی‌شود و به جای آن، اقداماتی نظیر زایل کردن خرد انسانی، مغشوش کردن هوش انسانی و مضمحل کردن حیات معنوی و اخلاقی یک ملت، به وسیله ی نفوذ در اراده ی آنها انجام می‌شود. (داقرتی، ۱۳۷۷: ۱۳).

اصطلاح "جنگ روانی" برابر نهاده واژه "**psychological warfare**" است که به صورت‌های متعددی تعریف شده است. «رونالد پروس» ۱۸ واژه ی معادل برای جنگ روانی ذکر کرده که گروه‌ها و افراد مختلف بکار می‌برند. برخی از آنها عبارتند از: جنگ افکار، جنگ اعصاب، جنگ سیاسی، جنگ تبلیغاتی، جنگ کلامی، مبارزه اطلاعاتی، جنگ کلمه و عقیده. برخی از روشها و مهارت‌های جنگ روانی عبارتند از:تهدید، فریب، تکرار مطالب، شایعه، تحریف، سانسور خبری، بزرگنمایی مشکلات، تفرقه‌افکنی، ترور، تبلیغات، دادن اطلاعات ناقص، کوچک‌نمایی توانمندی‌ها(متفکر، ۱۳۸۷: ۶۷).

به این ترتیب، جنگ روانی از جمله بدترین سلاحهای جنگی دوران معاصر علیه فکر، اندیشه، عقیده، شجاعت، اطمینان و میل به جنگیدن است. این نوع جنگ در عین حال که نوعی دفاع به شمار می‌رود، حالت هجومی نیز دارد، چرا که در عین تقویت روحیه ی ملت و سربازان خودی به تضعیف روحیه‌ی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

دشمن نیز می‌پردازد. جنگ روانی در واقع نبرد علیه عقل دشمن است نه نبرد برای دربند کشیدن ساختار فیزیکی او. بر این مبنا، اهداف جنگ روانی عبارت است از: از بین بردن امید مخاطبان و یا جناح مقابل؛ ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به رهبران جناح مقابل و ایجاد شکاف در بین جامعه ی مخاطب.

تقسیم بندی عملیات‌روانی

الف) عملیات روانی استراتژیک

این عملیات، عموماً برای پیشبرد اهداف گسترده یا درازمدت و در هماهنگی با طرح‌ریزی استراتژیک کلی طراحی شده و معمولاً دارای تأثیراتی درآینده دور است. مخاطبان این عملیات‌را شهروندان و نظامیان دشمن که خارج از منطقه جنگی بسر می‌برند و همچنین کل جمعیت کشورهای دوست، بی‌طرف، یا دوست دشمن ما (متعهدان دشمن) تشکیل می‌دهد، نمونه‌ای از این عملیات، فعالیتهای تبلیغاتی یک کشور برای پایین آوردن تولید صنعتی کشور حریف است.

ب) عملیات روانی تاکتیکی

ـ این عملیات در منطقه جلویی نبرد و در پشتیبانی از عملیات نظامی تاکتیکی، طراحی و اجرا می گردد.

ج) عملیات روانی آشکار

ـ عملیات‌روانی آشکار معمولاً با استفاه از تبلیغات سفید(تبلیغاتی که هویت منبع آن معلوم است) انجام می‌شود.

ـ اغلب موارد عملیات‌روانی که با عناوین رسمی(مانند رادیو آمریکا) به اجرا در می‌آیند، از مصادیق این نوع عملیات هستند.

د) عملیات روانی پنهان

عملیات روانی پنهان عملیاتی است که منبع انتشار آن فاش نمی‌شود. این عملیات به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌شود که دولت مسئول آن معلوم نباشد و یا اگر هم کشف شد، آن دولت بتواند هرگونه دخالتی را انکار کند. عملیات‌روانی پنهان، معمولاً به وسیله تبلیغات سیاه و خاکستری به اجرا درمی‌آید.

ه) جنگ روانی تحکیمی:

این نوع جنگ به منظور افزایش همکاری مردم غیر نظامی در سرزمین خودی صورت می‌پذیرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

مزیت‌های عملیات روانی نسبت به عملیات نظامی

۱- عملیات روانی و ارتباطات تخریبی، "جنگ سپید" یا "جنگ تمیز" است که در آن مهاجم، به انفجار و قتل و خونریزی دست نمی‌زند و خود را در مقابل افکار عمومی، به صورت یک نیروی خشن وانمود نمی‌کند، ولی نتایجی که از عملیات خود می‌گیرد، مانند عملیات نظامی است؛ یعنی می‌تواند اراده خود را بر حریف مغلوب تحمیل کند و مغلوب نیز از همه نتایجی که بر هر عملیات نظامی دیگری مترتب است، رنج می‌برد و دچار ضعف قدرت ملی، کاهش قدرت تولید، افزایش فقر، سوءتغذیه و بهداشت و ضعف در تصمیم‌گیری و. . . می‌شود؛ در حالی که نمی‌داند و نمی‌تواند به درستی مسئول رنج‌های خود را بشناسد و او را متهم کند. بنابراین، اغلب خود را متهم و مقصر فرض می‌کند.

۲- عملیات روانی و ارتباطات تخریبی، بسیار ارزان‌تر از عملیات نظامی است.

۳- در عملیات روانی، چون عامل دست به عملیات نظامی، نظیر تخریب و انفجار نمی‌زند و عموماً بدون تابلو و علامت سیاسی حرکت می‌کند و تنها با کار فرهنگی اقدام به تخریب ارزش‌ها، هنجارها، منش‌ها و رفتارهای اجتماعی می‌کند، به طور معمول به آسانی قابل شناسایی نیست و حتی گاه، به عنوان یک نخبه مورد ستایش و تشویق نیز قرار می‌گیرد.

عوامل موفقیت در عملیات روانی

۱- اطلاعات

۲- رسانه‌های ارتباطی

۳- پژوهش

عملیات روانی امریکا در جریان تهاجم نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳

مهم ترین سندی که در ارتباط با بازنگری نقش آمریکا در جهان پس از جنگ سرد و به خصوص چگونگی برخورد آمریکا با تهدیدات احتمالی علیه آن منتشر شد، سندی بود به نام «پروژه قرن جدید آمریکایی» که از سوی برخی محافل فکری در اواسط دوره دوم ریاست جمهوری کلینتون تدوین شد.

پروژه قرن جدید آمریکایی با اهداف خاصی طراحی شده بود که در راس آن تغییر سیاست خارجی آمریکا در برخورد با سایر بازیگران صحنه جهانی بود. به این منظور، نخستین گام مطابق با پروژه **PANC**، حمله به عراق، اشغال و سرانجام اداره آن کشور بود. این مساله در نامه ای محرمانه در سال ۱۹۹۸ به بیل کلینتون نوشته شد و این گونه مطرح گشت: «آقای رئیس جمهور شما نباید از حرکت تانک‌های آمریکایی در بیابان های بغداد هراسان باشید».

رامسفلد، ولوویتز و پرل از جمله ۱۸ نفری بودند که این نامه سر گشاده را خطاب به کلینتون نوشتند و هم چنین استدلال کردند که «تغییر رژیم عراق باید در راس اهداف سیاست خارجی آمریکا قرار گیرد. »

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

پروژه **PANC** در سال ۱۹۹۸ در متنی که تحت عنوان سند آزادی عراق در کنگره آمریکا به تصویب رسید و به این مساله صورتی قانونی بخشید، منعکس گردید. در آن هنگام کنگره تحت ریاست گینگریچ اداره ی شد. جالب آن که در تهیه نامه ارسالی به کلینتون در سال ۱۹۹۸ و نیز تهیه متن سند آزادی عراق، افرادی شرکت داشتند که نام و امضای آن ها در این پروژه نیز مشاهده می‌شود.

پروژه قرن جدید آمریکایی در سپتامبر سال ۲۰۰۰ با رویکردی دفاعی تحت عنوان «بازسازی توان دفاعی آمریکا» مجدداً مورد بازنگری قرار گرفت. شاید بتوان این سند را به مثابه انجیل نومحافظه کاران توصیف کرد. در واقع در این سند جوهره ایدئولوژی نومحافظه کاران منعکس شده و ضرورت ایجاد انقلابی در سیاست خارجی و دفاعی آمریکا به خوبی در این سند تبیین شده است. هم چنین در این سند برای گسترش و تعمیق وظایف وزارت دفاع پیش‌بینی شده بود که حیطه اختیارات این وزارتخانه را در حد غیرقابل تصوری افزایش یابد. علاوه بر این، بر حضور یک جانبه و فوق العاده فعالانه و سرسختانه آمریکا در صحنه سیاست جانی نیز تاکید شده بود.

این نوع رویکرد مستلزم فهم و برداشت جدیدی از تهدیدات فراوری این کشور در عرصه سیاست خارجی آمریکا بود.

پس از حملات ۲۰ شهریور ۱۳۸۰توازن سیاسی داخلی آمریکا تغییر کرده و باعث شد تا نومحافظه‌کاران بتوانند در مدیریت کشور آمریکا تأثیر به سزایی داشته باشند. رئیس‌جمهور آمریکا جرج دبلیو بوش در بیانیه اتحاد خود به کنگره، در دی ماه ۱۳۸۱ از «محور شرارت»که به زعم وی از کشورهای ایران، عراق و کره شمالی تشکیل شده‌اند سخن به میان آورد. همچنین او احتمال داد که برای براندازی دولت عراق از زور استفاده خواهد کرد. او اعلام کرد: «رژیم عراق طرح تولید گاز اعصاب و سیاه‌زخم و سلاح‌های اتمی را به مدت یک دهه دنبال کرده است». او همچین ادامه داد: «عراق همچنان درصدد است دشمنی خود را به آمریکا نشان دهد و از ترور حمایت کند.

فعالیت های امریکا برای اثرگذاری روانی بر مردم عراق قبل از آغاز تهاجم

ایالات متحده از اکتبر ۲۰۰۲ فعالیت‌های جدی خود را برای اثرگذاری روانی بر مردم عراق آغاز کرد. از این ماه تا اندکی قبل از حمله نظامی به عراق، هواپیماهای امریکایی و انگلیسی در مجموع، بیش از ۳۶ میلیون اعلامیه در نقاط مختلف عراق فرو ریختند. این هواپیماها همچنین رادیوهای کوچک خورشیدی را که طول موجی کوتاه داشتند به همراه دستورالعمل تنظیم آن به ایستگاهی که به زبان عربی از عراقی‌ها می‌خواست تا با نیروهای ائتلافی همکاری کنند، پخش می‌کردند.

پس از اشغال عراق نیز کامیون‌های امریکایی با حمل بلندگوهایی بزرگ در مناطق مختلف عراق به حرکت در می‌آمدند تا اعلام کنند که امریکا برای آزادسازی عراق آمده است نه برای اشغال آن. برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای نظیر (فاکس نیوز)و سایت اینترنتی (ام. اس. ان. بی. سی) نیز با مصاحبه با عراقی‌ها و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

پخش خبرهایی امیدبخش در مورد آینده این کشور سعی در القای این امر داشتند که امریکاییان بهترین دوستان عراقی‌ها هستند. به بیانی دیگر همزمان با ورود نیروهای امریکایی به خلیج فارس، جنگ تبلیغاتی نیز شروع شد و برنامه‌ریزی امریکاییان به گونه‌ای بود که با تأثیرگذاری بر فکر و روان عراقی‌ها یا هیچ جنگ نظامی به وقوع نپیوندد یا در صورت بروز جنگ با سرعتی هر چه بیشتر خاتمه یابد. در ژانویه ۲۰۰۳ دونالد رامسفلد وزیر دفاع امریکا اعلام کرد که از این پس تمامی مصاحبه‌های مطبوعاتی وی به وسیله تجهیزات و دستگاه‌های پیشرفته‌ای که در هواپیماهای باربری ای. سی-۱۳۰ کار گذاشته شده‌اند و در آسمان عراق به پرواز در خواهند آمد، در سراسر این کشور پخش خواهد شد. البته نباید فراموش کرد که در کنار تبلیغات به اقدامات روانی، مانورهای دروغین نظامی هم می‌توانند بر نیروهای مقابل اثر بگذارند. کما این که همین مسئله در جنگ سال ۱۹۹۱ بین ارتش امریکا و عراق رخ داد.

از دیگر اقدامات وزیر دفاع امریکا برای تقویت تبلیغات و عملیات روانی، تأسیس دفتر نفوذ استراتژیک ا. اس. آی در پنتاگون در سال ۲۰۰۲ بود. وظیفه اصلی این دفتر تعیین شیوه اجرایی عملیات اطلاعاتی بود. اما در فوریه ۲۰۰۳ این دفتر به دلیل نشر مقالاتی دروغین در رسانه‌های خارج از امریکا به منظور ایجاد آمادگی در افکار عمومی جهانی برای حمله به عراق و فاش شدن دروغین بودن اطلاعات این مقالات، به ظاهر از سوی دولت امریکا منحل اعلام شد. دفتر نفوذ استراتژیک در گزارش‌های خود به پنتاگون تأکید می‌کرد که جنگ با عراق به تنهایی اهمیتی ندارد و آنچه که مهم است تبعات سیاسی فروپاشی نظام عراق است. این دفتر پیشنهاد می‌کرد که قبل از حمله به عراق، باید عقل و دل جهان اسلام را به دست آورد. به دنبال انحلال این دفتر، دفتر دیگری به نام دفتر فعالیت‌های اطلاعاتی در وزارت دفاع امریکا تشکیل شد.

عملیات روانی امریکا در جریان تهاجم به عراق

از دیدگاه کارشناسان مسائل سیاسی و نظامی، اشغال گران عراق در حمله به این کشور اهداف پنهان و آشکار متعددی را تعقیب می کردند. از این منظر، مهم ترین علل و اهداف ادعایی و واقعی ایالات متحده آمریکا، عبارتند از:

الف) انهدام سلاح های کشتار جمعی

مهم ترین دستاویز آمریکا در این تهاجم، ادعای رئیس جمهور این کشور، مبنی بر وجود سلاح های کشتار جمعی در عراق بود. مقامات کاخ سفید و انگلیس، برای کسب اجازه جنگ از سازمان ملل و قانونی جلوه دادن این عمل، خطر سلاح های کشتار جمعی صدام را مطرح کردند و برای جلب افکار عمومی داخلی و بین المللی، سعی در برجسته کردن آن نمودند. آنان با استفاده از بلندگوهای تبلیغاتی خویش، تأکید کردند که جهان در معرض خطر یک حمله قریب الوقوع، توسط سلاح های انهدام جمعی است و مسئله خطر «ابر قارچ مانند» اتمی را توسط عراق، مطرح کردند (مانتلی ریویو۱۳۸۵: ۱۵).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

ب) جنگ علیه تروریسم

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، هیئت حاکم و وسایل ارتباط جمعی آمریکا و انگلیس، فرآیند اطلاع رسانی پیرامون آن را به دلخواه خود، سامان بخشیدند و خواهان ایجاد یک ائتلاف جهانی علیه تروریسم شده، برخی کشورها از جمله عراق را در فهرست کشورهای حامی تروریسم قرار دادند.

ج) تهدید کشورهای همسایه از طرف عراق

ایالات متحده و انگلستان، با طرح این شعار که «عراق، تهدیدی برای منطقه است»، به سوابق تاریخی این کشور در حمله به همسایگانش نظیر ایران، کویت و. . . ، استناد می‌کردند و به گونه ای وانمود می‌کردند که گویی آنها ترس رهبران منطقه را بازگو می‌کنند.

د) آزادی مردم عراق و اعطای دموکراسی

موضوعاتی نظیر دیکتاتور بودن صدام و نقض حقوق ملت عراق، فقدان مشارکت سیاسی اقلیت کرد و اکثریت شیعیان در ساختار سیاسی این کشور، فشارهای اقتصادی و اجتماعی در قبال شیعیان جنوب و کردها و سرکوب همه جانبه ناراضیان توسط بعثی‌ها، وجود سیستم‌های بسیار قوی اطلاعاتی و جاسوسی و. هرگونه آزادی و استقلال را از مردم عراق گرفته بودند و آنان در فضایی آکنده از ترس و خفقان به سر می‌بردند. این وضعیت، مورد اجماع و اتفاق ناظران بین المللی بود و اشغال گران با تمسک به این وضعیت، در صدد توجیه تهاجم نظامی خویش به این کشور برآمدند (ذاکریان، ۱۳۸۲: ۱).

ر) دست یابی و کنترل نفت عراق

کشور عراق پس از عربستان، با ذخایر ۱۱۲ میلیارد بشکه ای خود، دومین کشور دارنده منابع و ذخایر غنی نفتی است و هزینه های تولید نیز در این کشور، در مقایسه با سایر کشورها، بسیار پایین استبا توجه به چنین ویژگی ممتازی، بسیاری از کارشناسان سیاسی معتقدند که جنگ عراق، بیان گر یک واقعیت است و آن هم «عطش روزافزون آمریکا برای نفت» و تلاش برای سیطرهبر منابع نفتی است. به گفته پیرترزیان، مدیر مسئول نشریه پترواستراتژیک فرانسه، «نیروهای ارتش آمریکا و بریتانیا، تمام تلاش خود را جهت حفاظت از وزارت نفت به کار بسته اند؛ این در حالی است که هیچ گونه اقدامی برای حفظ و نگهداری از سایر ادارات دولتی - مثل وزارت بهداشت - صورت نگرفته است. از این رو، اولویت ها به خوبی مشخص می‌شوند».

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

ز) مقابله با جهان اسلام

فشارهای لابی صهیونیستی و القائات دو سیاست گذار مهم سیاست خارجی آمریکا، یعنی «فرانسیس فوکویاما» و «ساموئل هانتینگتون» در معرفی اسلام به عنوان دشمن جدی تمدن غرب و لزوم برخورد نظامی با جهان اسلام، از سوی غرب، جهت استیلای خویش و غلبه ایدئولوژی لیبرال - سرمایه داری، نقش بسیار مهمی در طرح و شکل گیری سیاست خارجی جدید آمریکا داشت. از این رو، بعد از ۱۱ سپتامبر، بی‌درنگ، «جنگ صلیبی» از سوی رئیس جمهورآمریکا مطرح شد. علاوه بر تهاجم نظامی به افغانستان، اشغال عراق به عنوان کشوری که از موقعیت مهمی از نظر تاریخی، مذهبی و جغرافیایی برخوردار است، میتوانست زمینه‌های خوبی را برای تحقق اهداف آمریکا فراهم سازد. به گفته کارشناسان و با توجه اعترافات ضمنی دولت آمریکا، حفاظت از اسراییل و کمک به اجرای نقشه های توسعه طلبانه این کشور، کنترل نفوذ گسترده و روبه افزایش ایران بر جهان اسلام، با حضور فیزیکی آمریکا در مرزهای جمهوری اسلامی، تجزیه جهان اسلام و جلوگیری از شکل گیری یک اتحادیه قدرتمند اسلامی، از اهداف اصلی اشغال نظامی عراق بوده اند.

جرج بوش، آغاز دومین جنگ خلیج فارس را در ساعت ۲۲:۱۵، روز ۱۹ مارس ۲۰۰۳، درست ۹۰ دقیقه پس از ضرب‌الاجل تعیین شده برای صدام و فرزندانش برای خروج از عراق اعلام کرد. در اولین حمله به بغداد، ۴۰ موشک کروز تام هاوک از سوی ۶ ناو مستقر در خلیج‌فارس و دریای سرخ شلیک شد. در عین حال، این شهر توسط بمب افکن‌های رادارگریز اف- ۱۱۷- ای‌نایب‌هاک که بمب‌های ۲۰۰ پوندی هدایت شوندهٔ با دقت بالا حمل می‌کردند، بمباران شد. سه ساعت بعد، حملات آغاز شد و صدام با حالتی جسورانه و در حالی که لباس نظامی پوشیده بود بر صفحات تلویزیون ظاهر شد و از مردم عراق خواست تا به دفاع از کشور بپردازند. عراق نیز با شلیک به مواضع نیروهای امریکایی در کویت دست به مقابله به مثل زد. در ساعت بیست‌ویکم، ۲۰ مارس، نخستین یگان از تفنگداران دریایی از مرز گذشتند و در طول شب طی درگیری با نیروهای دفاعی عراق از آنها عبور کردند. بالگردهای مهاجم کبری همراه با توپخانه‌ی خود کششی ۱۵۵ میلی‌متری پالادین به مواضع نیروهای عراقی در طول مرز با کویت حمله‌ور شدند. در ساعت ۲۳، نیروی زمینی ارتش با پشتیبانی توپخانه و سیستم‌های چندجانبه ی پرتاب موشک به نیروهای عراقی تاختند. همچنین پارلمان ترکیه به هواپیماهای نظامی امریکا برای پرواز در حریم هوایی منطقهٔ ترکیه اجازهٔ عبور داد. تفنگداران امریکایی شهر بندری ام‌القصر را اشغال کردند. در دومین شب متوالی، هواپیماهای نظامی دولت‌های ائتلاف، با موشک‌های کروز به بغداد حمله کردند و به وزارت برنامه‌ریزی و نیز ساختمان‌های گارد ریاست جمهوری عراق ضربه زدند. موشک‌های پاتریوت با توان پیشرفته دو موشک تاکتیکی- بالستیکی عراق را رهگیری و منفجر کردند. گزارش‌هایی مبنی بر آتش گرفتن چهار حلقه چاه نفت در نزدیک بصره مخابره شد. رامسفلد به نیروهای عراقی نسبت به آتش زدن چاه‌های نفت هشدار داد. او گفت: «به دستورات توجه کنید که برای چیست، برای رژیمی درمانده و به نفس نفس افتاده و در حال

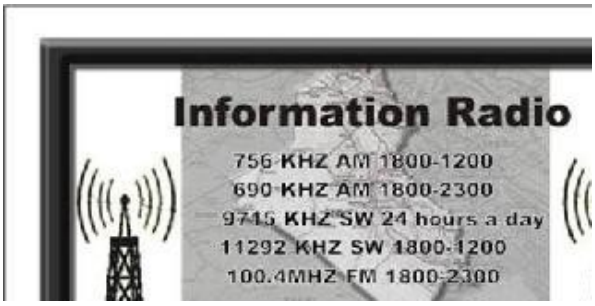
[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

مرگ». سومین روز[جنگ] روز مجازات لقب گرفت. در نهایت، نیروهای ائتلاف، حملهٔ سنگین خود را با پرتاب ۱۵۰۰ بمب و موشک بر روی بغداد، موصل، بصره، تکریت و کرکوک به نمایش گذاشتند. این نیروها که از ۴۵ ملیت تشکیل شده بودند بخش جنوبی شهرستان صفان را تسخیر کردند. فرماندهٔ لشکر پنجاه و یکم عراق با تمامی نیروهایش تسلیم شدند. ستونی ۲۰ مایلی از تجهیزات و تانک‌ها و ادوات نیروهای ائتلاف، تا ۱۰۰ مایلی عمق عراق پیشروی کردند و حدود دو تا سه روز به بغداد فاصله داشتند. ۱۵۰۰ نیروی ویژهٔ ترکیه به شمال عراق وارد شدند تا منطقهٔ حایلی را ایجاد کنند.

تاکتیکهای عملیات روانی امریکا در جریان تهاجم به عراق با استفاده از اعلامیه‌ها

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، اعلامیه‌هایی بر فراز عراق پخش شد و همراه با فرستنده‌های رادیویی از غیرنظامیان عراقی خواسته شد تا در خانه‌های خود بمانند و از نیروهای نظامی دور باشند. در روز ۲۱ ماه مارس، نیروهای مهاجم، بیش از دو میلیون اعلامیه را بر روی ۲۹ هدف نظامی و غیرنظامی فروریختند که از ۱۷ نوع مختلف بود. نیروهای ائتلاف پیش از این و قبل از آغاز جنگ ۱۱ شکل از این اعلامیه‌ها را در عراق پخش کرده بودند. این اعلامیه‌ها شامل شماره کدهای زیر بود: **IZD -۰۰۱c، IZD -۰۰۲a، IZD -۰۱۹، IZD -۰۱۹a، IZD -۰۳۶، IZD -۰۳۸، IZD -۰۶۱، IZD-۶۹، IZD-۰۷۰، IZD-۰۷۱، IZD-۲۵۰۲**. **IZD**هر چند اعلامیهٔ شمارهٔ ۰۴۸- **IZD** پیش از این انتشار نیافته بود ولی اعلامیهٔ ناشناخته‌ای نبود. پنج نوع از این اعلامیه‌ها جدید بودند. **IZD -۰۲۲a، IZD-۰۲۴، IZD-۰۴۷، IZD -۱۰۰۰، IZD -۱۰۰۲، IZD -۲۵۰۲**.

اعلامیه ی شماره ی **IZD -۰۰۱C**، رادیو اطلاعات نام دارد. این اعلامیه ی با استفاده از تاکتیک مستند سازی و تکرار تصویری از نقشه ی عراق را در وسط و دو برج رادیویی را در چپ و راست آن نشان می‌دهد و در آن نوشته شده: رادیو اطلاعات را می‌توان در این امواج دریافت کرد: ای. ام ۷۵۶ کیلوهرتز، ای. ام ۶۹۰ کیلوهرتز، اس. دبلیو ۹۷۱۵ کیلوهرتز و نیز اس. دبلیو ۱۱۲۹۲ کیلوهرتز، اف. ام ۱۰۰/۴ مگاهرتز. در پشت اعلامیه نیز، اطلاعات مشابهی داده شده است.



تصویر۱-۱اعلامیه شماره IZD-c۰۰۱

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

در اعلامیهٔ شمارهٔ ۰۲۴- **IZD** با استفاده از تاکتیک ترور شخصیت و اهریمن سازی، ضمن نشان دادن کاریکاتوری از صدام حسین که نقشهٔ عراق را در دست دارد. در زیر آن نوشته شده است: "نیروهای ائتلاف آمده‌اند تا به ستم وارده بر مردم عراق از سوی صدام و رژیمش پایان دهند. " در پشت اعلامیه هم آمده: "نیروهای ائتلاف به دنبال آن هستند که به ملت عراق صدمه‌ای وارد نشود. این نیروها در صدد پایان دادن به حکومت ستمگرانهٔ صدام و رژیمش می‌باشند. "



تصویر: ۱-۲ اعلامیه شماره ۰۲٤-IZD

نتیجه‌گیری:

دولت امریکا برای نتیجه‌گیری سریع از حمله نظامی خود به عراق و بر جای گذاشتن حداقل تلفات ممکن، به اجرای یک سلسله عملیات روانی بر روی اذهان مردم عراق اقدام کرد تا از این طریق با حداقل هزینهٔ جانبی و مالی حداکثر منافع را به دست آورد و در دستیابی به مقصود خویش بیشترین توفیق را کسب کند.

اما عدم وضوح و تباین و تضادی که میان سیستم‌های اعلام شدهٔ امریکا که شامل از میان برداشتن رژیم صدام حسین و تأسیس نظامی مردم‌سالار و آزاد بود با سیاست‌های اعمالی این کشور نظیر روی کار آوردن رژیمی پیرو واشنگتن و فراهم آوردن بستری مناسب برای نفوذ رژیم صهیونیستی در عراق، تبدیل به عاملی شد تا امریکا نتواند به اهداف مدنظر خویش به آن ترتیبی که تصور می‌کرد، دست یابد. در واقع، همگامی بخشی از مردم عراق در تحقق یافتن سیاست‌های اولیه و اعلامی ایالات متحده، سیاست‌سازان امریکا را تحریک کرد تا به دنبال تحقق حداکثر خواسته‌ها و برنامه‌های خود باشند. اما به دلیل آشنا نبودن این افراد با روحیه و میزان صبر و تحمل عراقی‌ها و پاره‌ای از اقدامات و عملکردهای ارتش امریکا در عراق که انزجار و ناراحتی مردم را سبب شده است، در کنار تأثیرگذاری برخی از رسانه‌های عربی مخالف حمله امریکا به عراق و تداوم حضور ارتش این کشور در خاک عراق، نظیر الجزیره که به نظر می‌رسد قدرتمندتر و مؤثرتر از شبکه آزاد، که ساخته و پرداخته امریکاست، عمل می‌کند، باعث شده است تا امریکا در اجرای سیاست‌های اعمالی خود با مشکلاتی مواجه شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

بنابراین، با توجه به تصمیماتی که دولت امریکا تاکنون در عرصه عراق گرفته است و بازخوردهای آن می‌توان این گونه استنباط کرد که بهترین گزینه و راه‌کار موجود برای خروج از گرداب عراق، برگزاری هر چه سریع‌تر انتخابات و تشکیل دولت ملی در این کشور است. بدین ترتیب، حداقل سیاست‌های اعلامی به طور کامل به اجرا در خواهد آمد.

با تحلیل سیر وقایع چند ماه اخیر عراق می‌توان نتیجه گرفت که تأثیرگذاری روانی بر یک ملت تا زمانی مؤثر و مفید خواهد بود که به وعده‌ها و امیدهایی که از سوی تأثیرگذاران به تأثیرپذیران داده می‌شود، عمل شود و در غیر این صورت با طولانی شدن مدت زمان تحقق وعده‌ها و یا پیگیری اهداف و برنامه‌های دیگر، هر گونه تأثیرگذاری روانی کم‌رنگ و بی‌اثر و مخالفت‌ها و اعتراضات مردمی گسترده‌تر می‌شود.

پرونده عراق در ۹ اکتبر ۲۰۰۱ یعنی دقیقا دو روز پس از حمله نظامی امریکا به افغانستان به گردش افتاد. طی این مدت امریکا به‌خوبی در یک استراتژی روانی و تبلیغاتی به هدف آماده‌سازی افکار عمومی، همسوسازی شرکا و جذب مخاطب کشور هدف، همه چیز را آماده حمله کرد و تبلیغاتی گسترده علیه عراق به راه انداخت. در این تبلیغات روانی اصلی‌ترین ادعا این بود که عراق سلاح‌های کشتار جمعی تولید می‌کند و قصد دارد آن را به گروه‌های تروریستی از جمله القاعده بفروشد. جرج بوش اعلام کرد که عراق طرح تولید گاز اعصاب و سیاه زخم و سلاح اتمی را حدود یک دهه دنبال کرده است (دانشنامه آزاد ویکی پدیا). امریکا عملیات روانی خود را به صورت گسترده و با بهره‌گیری از توان رسانه‌ای و بزرگراه‌های ارتباطی به اجرا گذاشت تا در زمان حمله نظامی با کمترین مقاومت از سوی کشور هدف مواجه شود و با مناسب شدن شرایط جهان و منطقه، عملیات گسترده نظامی خود را در چندین نوبت به مرحله اجرا درآورد.

سرانجام با همهٔ امّا و اگرها امریکا در سپیده دم ۲۰ مارس ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد. امریکا در این جنگ با پیشبرد استراتژی هوا به هوا و ایجاد جنگ الکترونیک و اخلال در سیستم‌های هواپیمایی، فرماندهی، اطلاعات و ارتباطات به تضعیف دشمن پرداخت. رسانه‌های خبری وارد عمل شدند فاکس نیوز، جنگ عراق را "عملیات آزادی عراق" و بی‌بی‌سی آن را "جنگ کنترل" نامید. شعارهای جنگی رسانه‌های متحدین رنگی از تهاجم نداشت و بیشتر به تبلیغات تجاری و نمایش بازی‌های رایانه‌ای شبیه بود.

هژمونی رسانه‌ای امریکا در جنگ دوم خلیج فارس را به این ترتیب فهرست کرد:

ـ اعزام گروه‌های خبرنگار مجهز به امکانات وسیع به منطقه عملیاتی عراق.

ـ کنترل کامل خبرگزاری‌های حاضر در صحنه نبرد.

ـ ایجاد ایستگاه‌های سیار در کشتی و هواپیما و پخش مستمر برنامه‌های تبلیغاتی به زبان عربی.

ـ گسترش کانال‌های رادیویی، تلویزیونی، ماهواره‌ای و پخش گسترده اعلامیه.

ـ سانسور و جعل اخبارِ ویژه در جهت تضعیف نیروهای نظامی عراقی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

ـ امریکا با برتری رسانه‌ای به عملیات روانی گسترده‌ای دست زد و در این عملیات از شیوه‌ها و مفاهیم متعددی بهره گرفت از جمله:

ـ جدا ساختن مردم از حاکمیت و ادعای آزادسازی مردم: به نظر کارشناسان عملیات روانی، عامل کلیدی در این جنگ کاهش وفاداری نظامیان و شهروندان عراقی به سران کشورشان بود.

ـ استراتژی تسلیم: بی نتیجه نشان دادن مقاومت نیروهای مسلح و مردم عراق.

ـ فرار رهبران کشور: اعلام مکرر فرار رهبران و نیروهای نظامی- سیاسی عراق.

ـ سانسور اخبار: اطلاع‌رسانی کنترل شده از وضعیت فوق‌العاده جنگ.

ـ تسریع در ارسال: پیشتازی در خبررسانی برای به دست گرفتن ابتکار عمل تبلیغاتی و کنترل افکار عمومی.

ـ تبلیغات سیاه: خبر زخمی و کشته شدن صدام حسین و پخش صحنه‌های تسلیم شدن نظامیان عراقی.

استراتژی طراحی شده امریکا اجرای جنگ رسانه‌ای گسترده به موازات جنگ نظامی بود. پروژه "خبرنگاران همراه" یکی از طرح‌های از پیش طراحی شده تبلیغات رسانه‌ای است. پنتاگون از ماه‌های پیش از شروع جنگ، اقدام به گزینش و تربیت خبرنگارانی کرد که خبرنگاران همراه نامیده شدند. ۵۲۷ خبرنگار همراه در مقر نیروهای نظامی ارتش امریکا حضور داشتند و برای اولین‌بار تصاویر زنده عملیات جنگی را مخابره کرده، صحنه جنگ را همانند یک فیلم سینمایی به نمایش درآوردند. در طول جنگ، خبرنگارانی که مقررات پنتاگون را رعایت نمی‌کردند از رسانه‌های مطبوع خود اخراج شدند. همان‌گونه که "پیتر ارنت" گزارشگر ان. بی. سی و "جرالد وریورا" خبرنگار فاکس نیوز اخراج شدند.

همچنین امریکا با یک دستگاه پخش رادیویی که در هواپیمای دی‌آی-ای‌سی-۱۳۰ حمل می‌شد به زبان عربی و به طور مستقیم برای مردم عراق برنامه پخش می‌کرد. . . پیام رادیو تبلیغاتی امریکا از زیرکی بیشتری نسبت به تبلیغات مستقیم برخوردار بود. در یکی از پیام‌ها آمده بود: به صدام اجازه ندهید بعد از این آبروی سربازان عراقی را خدشه‌دار کند. صدام حسین از نیروهای مسلح جهت نابودی افرادی که با اهداف ظالمانه‌اش مخالفند استفاده می‌کند. . . اکنون تصمیم بگیرید.

ایالات متحده از اعلامیه‌ها نیز بهره بسیار برد. هواپیماهای این کشور طی۲۲ ساعت ۲ میلیون اعلامیه که مردم را به تسلیم فرا می‌خواند بر فراز شهر نجف ریختند. اعلامیه‌ها علاوه بر مردم نظامیان را هم مخاطب قرار می‌داد. به مردم تذکر داده می‌شد در برابر امریکا که برای آنها آزادی و دمکراسی را به ارمغان می‌آورد مقاومت نکنند و از سوی دیگر به نظامیان اعلام می‌کرد در صورت مقاومت به سختی با آنها برخورد خواهد شد و بهترین راه تسلیم شدن در برابر نیروهای ائتلاف است.

تلویزیون نیز در جنگ رسانه‌ای عراق نفوذی پررنگ داشت. امریکا از تلویزیون بیشترین استفاده را برد. شبکه‌هایی چون فاکس نیوز، سی. ان. ان، سی. بی. اس، اسکای‌نیوز و غیره ۲۴ ساعته رخدادهای جنگ را به طور کامل کنترل شده پوشش می‌دادند. در زمینه جنگ اینترنتی نیز هزاران نامه الکترونیکی خطاب به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

فرماندهان عراقی در چند نوبت ارسال شد. بدین ترتیب عملیات گسترده رسانه‌ای پشتیبان عملیات نظامی در عراق شد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابراموویچ دبورین گریگوری، (۱۳۵۶) رازهای جنگ جهانی دوم، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران:بینا.

ـ اتوسن(۱۳۸۳) جنگ نرم ۲ (ویژه جنگ رسانه ای). تهران: انتشارات بین المللی ابرار معاصر.

ـ احمدی، کوروش (۱۳۸۴) تقابل بین واقعیت ژئوپولیتیکی و رژیم حقوقی حاکم بر توسل به زور، روندهای بین المللی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

ـ اخوان زنجانی، داریوش (۱۳۸۱)؛ جهانی‌شدن و سیاست خارجی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ـ ازغندی، علیرضا و روشندل، جلیل (۱۳۷۴) مسائل نظامی و استراتژیک معاصر. تهران: انتشارات سمت.

ـ زورق، محمدحسین (۱۳۸۶) ارتباطات و آگاهی. تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما.

ـ ساروخانی، محمدباقر(۱۳۷۱)جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: انتشارات اطلاعات.

ـ سلطانی‌فر، محمد و هاشمی، شهناز (۱۳۸۲) پوشش خبری؛ تهران: انتشارات سیمای شرق.

ـ سونارکلان، پیردو (۱۳۶۸) یالتا. ترجمه سیروس سعیدی. تهران: بی نا.

ـ اسدی، بیژن «حادثه سپتامبر و آثار آن بر موقعیت سیاسی خلیج فارس» فصل نامه مطالعات خاورمیانه. شماره ۳۱. پاییز ۱۳۸۱.

ـ اطاعت، جواد و جهانیان، شهاب«دلایل و روند تهاجم نظامی آمریکا به عراق» اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره ۲۴۸-۲۴۷. فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰.

ـ الیاسی، محمدحسین(۱۳۸۲) «افکار عمومی امریکا و عملیات روانی دستگاه حکومتی و تبلیغاتی آن کشور برای مجاب‌سازی»، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، شماره۲.

ـ الیاسی، محمد حسین «فرآیند تخریب روحیه ارتش عراق توسط آمریکا» فصلنامه سیاست دفاعی. سال یازدهم. شماره۴۲.

ـ الیاسی، محمد حسین (۱۳۸۲) «عملیات روانی رسانه ای برای کنترل اذهان» فصلنامه پژوهش و سنجش. شماره۳۴.

__ Geoffrey Broun and Dwight E. Lee, The Second World War and after, Boston 1964; Winston Leonard Spencer Churchill, The Second World War, London 1948-1954; Martha Byrd Hoyle, A World in flames: a history of World War II, Newton Abbot, Engl. 1971.

__ Bronwell,Richard,Imericas New Foreign policy at:

__ Gupta,Sangay,the doctrine/of pre-emptive strike:Ipplication and implications during the admimstration of president George W. Bush international political science Review (2008), Vol. 29,9no. 2.

__ George, Alexander and Smoke,Richard, Deterrence in Ameriecan Foreign Policy: theory and practice (new York: Columbia university

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]

__ Bronwell,Richard,Imericas New Foreign policy at: http://www.nyyrrc.com,6/10/2003.
__ Gupta,Sangay,the doctrine/of pre-emptive strike:Ipplication and implications during the admimstration of president George W. Bush international political
__ Kaufmann,w. ,the Requirements of Deterrence, New gersey: Princeton university,1945.
__ George, Alexander and Smoke, Richard, Deterrence in Ameriecan Foreign Policy: theory and practice (New York: Columbia university press,1974).
__ Roberto. Ethane. and Josephs. Nye Power and Interdependencies the Information Age, foreign Affairs, (September / October, 1998).
10. Peter Staler, the War Against Press: Politics, Pressure and International in the 86` s, (New York: pod, Mead and co, 1986.
__ Susan Carruthers, the Media at War, (New York: St. Martin`s Press, 2000.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-03]